

# عوامل دین پژوهی غرب

در قرن نوزدهم

به قلم: عزالدین رضا نژاد

روشنگری اروپا<sup>(۴)</sup> بر می گردد، معلول عوامل زیر است.

انسانها همواره در ارتباط با امور دینی به جستجو و کنجکاوی پرداخته، دارای اعتقادات دینی بوده اند.

## ۱- گسترش فتوحات استعماری اروپاییان

اکثر فتوحات اروپایی از طرف فرانسه، انگلیس، ایتالیا و... در اواخر قرن هیجدهم و اوایل قرن نوزدهم صورت گرفته است. در سال ۱۹۱۱ میلادی، ایتالیا به ترکیه اعلان جنگ داد و طرابلس و دوازده جزیره دریای اژه (دودکانز) را گرفت.

انگلیسها در سال ۱۸۸۱ افغانستان را اشغال کرده، نفوذ خود را بر افغانها تحمیل کردند و دولت روس هم این اقدام را در سال ۱۹۰۷ به رسمیت شناخت.

مطالعات جامعه شناختی<sup>(۱)</sup> و مردم شناسی<sup>(۲)</sup> نشان می دهد که پژوهشهای مختلفی - هر چند اندک - در ابعاد گوناگون دین به عمل می آمده است. ولی در دو قرن گذشته ما شاهد تحوّل اساسی و همه جانبه و نگرشی دقیق، در پاسخگویی به شبهات مذهبی و ردّ تهاجم علمی و فرهنگی ضد دین، در مجامع علمی و روشنفکری غرب بوده ایم.

از اواخر قرن هیجدهم، دریچه تازه ای از پژوهش در باب دین یا «دین پژوهی»<sup>(۳)</sup> به نیای تحقیقات گسترده علمی گشوده شد. گویا ریشه های این تحوّل که معمولاً به قرن هیجدهم یا عصر

1- Sociology.

2-Anthropology

3-The Study Of religion.

۴- البته باید تحقیقاتی در این زمینه انجام شود که آیا دوره ای که در تاریخ غرب به عصر روشنگری و روشنائی معروف گشته، در حقیقت چنین بوده، یا اینکه عصر روشنائی کاذب بوده و تفکرات آنان انسانها را به سعادت واقعی نکشاند است.

این فتوحات استعماری موجب شد که اروپاییان با شرق و نیمکره جنوبی الفت بیشتری برقرار کرده، برای اداره این مستعمرات، با زبان بومی و محلی و فرهنگهای مختلف آنان آشنایی پیدا کنند. از این رو، برنامه گسترده ای در ارتباط با آشنایی با زبانهای شرقی و آفریقایی در دانشگاهها و آکادمیهای غربی شروع شد. در کنار آشنایی زبانی، با متون دینی و سپس به مذاهب غیر از مذاهب رایج در اروپا (مسیحیت و یهودیت) آشنا گشتند.

و بعد از آشنایی با دین اسلام و آیین هندو و بودا و... بررسیهای تطبیقی در اذهان شکل گرفت. چه اینکه، مشاهده دستورات دینی و تفکرات جدید و احیاناً اعمال و کردار و معتقدات شرقیان، مقایسه و سنجشی را نسبت به آداب و رسوم و اعتقادات دینی آنان ایجاد نمود. نتیجه این مقایسه، همان چیزی شد که امروزه به نام دین شناسی مقایسه ای یا تطبیقی<sup>(۴)</sup> خوانده می شود.

یکی از ثمرات دین شناسی تطبیقی این بود که نگرش غربیان نسبت به ادیان دیگر را تغییر داد. زیرا آنان تا قرن نوزدهم، معتقد به مطلق بودن دین خاص خودشان بودند و دیگر ادیان را

در سال ۱۸۷۶ قسمتی از بلوچستان نیز تحت حمایت دولت انگلیس شد. و در سال ۱۸۸۵، انگلیسیها ناحیه بیرمانی را گرفتند و بر سراسر شبه جزیره مالاکا مسلط شدند.

فرانسه، سرزمین تونس را در سال ۱۸۸۱ و مراکش را در سال ۱۹۱۲ و همچنین ناحیه صحرا را تحت حمایت خود کرد و طرابلس، در سال ۱۹۱۱ به تصرف ایتالیا در آمد.

دولتهای فرانسه و انگلیس و ایتالیا، سرزمین سومالی را میان خود تقسیم کردند، اریتره مستعمره ایتالیا شد و ایتالیا با منلیک<sup>(۱)</sup> که پادشاه سراسر حبشه شده بود، به جنگ پرداخت.

آلمانیها در حدود سال ۱۸۸۴، چهار ناحیه از افریقا یعنی توگو<sup>(۲)</sup>، کامرون، افریقای شرقی و افریقای جنوبی را تصرف کردند.

در اوایل قرن بیستم، نخستین جنگ جهانی رخ داد، انگلیسیها در عراق به ترکها حمله برده، بغداد را متصرف شدند و در فلسطین نیز، اورشلیم را گرفتند و با کمک پرتغالیها که وارد جنگ شده بودند، فتح افریقای شرقی آلمان را به پایان رساندند.<sup>(۳)</sup>

1- Me'ne'lik.

2-Togo.

۳- رجوع کنید به: تاریخ جهانی، نوشته: ش. دولاندن، ترجمه احمد بهمنش، جلد دوم، صفحات ۳۶۱، ۳۶۵، ۳۶۸، ۳۶۹ و ۳۹۶ و ۳۹۷، انتشارات دانشگاه تهران.

۴- Gomperative religion، مقصود از آن به دست آوردن مطالب مشترك همه ادیان است.

انگلیسی، در اوایل قرن نوزدهم، مهمترین کتابش به نام «منشأ انواع»<sup>(۶)</sup> را منتشر ساخت. وی نظریه «ترانسفورمیسم»<sup>(۷)</sup> (نظریه تبدل انواع، تغییر تدریجی صفات گونه ها و پیوستگی آنها) را تأیید کرده<sup>(۸)</sup>، موضوع «تنازع بقا»<sup>(۹)</sup> را در «انتخاب طبیعی»<sup>(۱۰)</sup> و پیدایش گونه های تازه و تکثیر و تغییر تدریجی آنها مؤثر می دانست.

او بر طبق نظریه خویش، شجره نسلی برای بیشتر حیوانات معین نموده است و در باره انسان می گفت: انسان حاصل يك تطور بسیار طولانی زیستی و به عبارت دیگر میمون زاد است. وی انسان و میمون را از يك ریشه نسلی دانسته است.<sup>(۱۱)</sup>

نظریه داروین، با ظاهر داستان خلقت آدم

ضد اجتماعی ویا القائات شیطان و... قلمداد کرده، آگاهی کافی از ادیان شرقی و نیمکره جنوبی نداشتند. به عنوان نمونه می توان از «ولتر»<sup>(۱)</sup> و «لایپ نیتز»<sup>(۲)</sup> نام برد.

«ولتر» با اینکه به چند زبان زنده دنیا مسلط بود، در ابتدا شناخت ناستنجدیده و مشوهی از اسلام داشت.<sup>(۳)</sup>

و «لایپ نیتز» فیلسوف مشهور آلمانی، در کتاب بسیار معروف خود به نام «تئودیهسه»<sup>(۴)</sup> که در باب عدالت الهی نوشته است، (به خاطر سلطه عثمانیها در قرن نوزدهم) از اسلام به عنوان دین ترکها تعبیر می کند.

## ۲- انتشار نظریه داروین

«داروین»<sup>(۵)</sup> زیست شناس معروف

۱- Voltaire، (۱۶۹۴-۱۷۷۸م)، فیلسوف، مورخ، نویسنده و متفکر فرانسوی. ولتر اسم مستعار وی است.

۲- گوتفرد ویلهلم لایپ نیتز (۱۷۴۶-۱۸۱۶م)، Gottfried Wilhelm Leibniz.

۳- رجوع کنید به کتاب «اسلام از نظر ولتر»، ترجمه دکتر جواد حریری.

۴- The 'odice'e، این لفظ که اختراع لایپ نیتز است امروز به معنای مطلق حکمت الهی و خداشناسی نیز به کار می رود. رك: سیر حکمت در اروپا، ج ۲ ص ۷۶.

۵- Charles Robert Darwwin (۱۸۰۹-۱۸۸۹م).

۶- این کتاب، ترجمه های دیگری چون «اصل انواع» و «بنیاد انواع» نیز دارد: Origin Of Species.

7- Transformisme.

۸- نظریه ترانسفورمیسم قبل از داروین به وسیله «بوفن»، (Buffon ۱۷۰۷-۱۷۸۸م) طبیعی دان و نویسنده فرانسوی، و «لامارک» فرانسوی (Lamarck ۱۷۴۴-۱۸۲۹م) و... اظهار شده بود.

9- Struggle For life.

10- Se'le'ction naturelle.

۱۱- نظریه داروین هنوز به صورت يك مسأله علمی و کلی بدون استثنا در نیامده است و از نظر علمی دارای انتقادهایی نیز هست.

در تورات<sup>(۱)</sup> (مورد قبول مسیحیان و یهودیان) وحتى قرآن، مخالف است. از این رو، با انتشار آن يك سلسله دیدگاههای نقادانه در مورد دین به وجود آمد.

### ۳- علم مردم شناسی<sup>(۳)</sup>

یکی از عواملی که موجب تشدید دین پژوهی شد، ابراز نظریات دانشمندانی است که در باره جوامع محدود و در حال انقراض<sup>(۴)</sup>، به مطالعه و تحقیق پرداخته اند.

از طرف دیگر، مادیون استفاده نامتناسب از آن نموده، بر مبنای آن وجود صانع را برای عالم انکار نمودند.

تحقیقات این دانشمندان نشان می داد که گویا فرضیه داروین در مقوله اجتماع و دین و فرهنگ هم صادق است. از این رو گفته اند: سیر دینی در جوامع بشری دارای مراحل زیر است:

مضاف بر آن، نظریه داروین يك سری لوازم روانشناختی<sup>(۲)</sup> در اذهان مردم به وجود آورد. مردم کم کم گفتند: ممکن است علاوه بر بدن، اجتماع و روان و دین و فرهنگ فعلی هم حاصل يك تطور طولانی در طی میلیونها سال بوده، شاید هیچ چیز ثابتی در دین وجود نداشته باشد، همانگونه که جزء ثابتی در بدن انسان وجود ندارد.

مرحله اول - نخستین مرحله ای که در جوامع بشری بود، دوران «جاندار انگاری»<sup>(۵)</sup> نام دارد. به معنی اینکه، گویا همه اشیا دارای حیات و درك هستند.<sup>(۶)</sup>

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
مجله کلام انسانی

۱- رجوع شود به کتاب «تورات، سفر تکوین (پیدایش)».

۲- هرگاه يك کلام و یا نظریه ای مطرح گردد، علاوه بر لوازم منطقی، يك نوع لوازم رواشناختی هم به ذهن می آید. به این معنی که وقتی آن نظریه پذیرفته شد ذهن آماده می شود که گروه دیگری از مطالب را قبول کند، با اینکه هیچ ربط منطقی بین آنها وجود ندارد. از این روست که می گویند: انسانها همیشه علاوه بر گذر منطقی (Logical Passage)، گذر رواشناختی (Sgcological Passage) نیز دارند.

### 3-Anthro Pology.

۴- مانند بعضی از قبایل استرالیا و آفریقا و آسیا که اولاً جمعیت آنها به صد هزار نفر بالغ نمی شود و ثانیاً جوامع بدوی (Primitive) بوده، در حال استهلاک در جوامع بزرگتر و متمدن تر هستند.

### 5-Animism.

۶- می گویند: بقایایی از جاندار انگاری هنوز هم در انسانها به چشم می خورد. نظیر اینکه وقتی نتوانیم دری را به وسیله کلیدی باز کنیم، با عصبانیت کلید را به زمین زده، به در یا کلید فحش می دهیم، به خیال اینکه کلید یا در، فهم و احساس دارند.

امروزه تحقیقات زبان شناسی نشان داد که اکثر متون کتاب مقدس (انجیل) بر خلاف مدعی، دارای قدمت زیاد نیست. زمان نگارش بعضی از قسمت‌ها یا بعضی از کتابها، سه قرن متأخرتر از زمان نویسنده اش است.

به عنوان مثال: طبق تحقیقات به عمل آمده در می یابیم که بعضی از قسمت‌های انجیل «یوحنا» یا همه آن مربوط به زمان یوحنا نیست. بر این اساس، امکان تحریف متون مقدس خیلی قوی گشته، روشن شد که نویسندگان اناجیل اربعه<sup>(۶)</sup> متعدد هستند و خیلی از قسمت‌ها با فاصله سه الی چهار قرن بعد از حضرت مسیح- علیه السلام- نوشته شده است.

این گونه تحقیقات که در متون مقدس مسیحیت و یهودیت (و حتی قرآن و روایات

مرحله دوم- دوران شرك پرستی یا «ایزدان پرستی»<sup>(۱)</sup> بوده است.

مرحله سوم- دوران «توحید» و «واحد پرستی»<sup>(۲)</sup> است.

مرحله چهارم- دوران «بی دینی» و «الحاد»<sup>(۳)</sup> است که دامنگیر جوامع بشری خواهد بود.

اگر این فرضیه در سیر دینی جوامع انسانی صحیح باشد، معنایش این است که تحوّل و تطوّر در جوامع و فرهنگها هم وجود داشته، و در طی زمان و در امتداد یکدیگر پدید آمده اند.<sup>(۴)</sup>

#### ۴- پیشرفت علم زبانشناسی

«زبان شناسی»<sup>(۵)</sup> علمی است که زمان به کار گیری الفاظ و کاربردهای مختلف آن را معین می کند.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

#### 1-Poltheism

#### 2-Monothelism

#### 3- Atheism.

۴- ناگفته نماند که کلیه جوامع بشری، دارای نوعی مذهب بوده اند. حفریات انجام شده حاکی است که انسانهای ملقب به نئاندرتال (Neanderthal) که مابین صد هزار تا بیست و پنج هزار سال قبل از این می زیسته اند، دارای مذهب بوده اند؛ به دلیل اینکه مرده های خود را به وضع مخصوصی به خاک می سپردند و ابزار کارشان را در کنارشان می نهادند و بدین طریق، عقیده خود را به وجود دنیای دیگر به ثبوت می رساندند. رجوع کنید به: «تاریخ جامع ادیان»، نوشته: جان. بی. ناس، ترجمه علی اصغر حکمت، ص ۷، چاپ چهارم، ۱۳۷۰.

و نیز کتاب: «جامعه شناسی» نوشته: ساموئیل کنیک، ص ۱۹۰، ۱۹۲، مبحث تأسیسات دینی.

۵- مقصود از زبان شناسی، معنایی وسیعتر از یادگیری زبان است.

۶- در دایرة المعارف انگلیسی (ص ۱۷۹)، چاپ سیزدهم) آمده که مؤلفان انجیل خیلی زیاد بودند و حدود ۲۵ مؤلف ذکر شده است. صاحب کتاب «اکسیپومر» که از علمای پروتستان است می گوید: «هفتاد و پنج انجیل داشتیم» از میان اناجیل نوشته شده، چهار انجیل اکنون در میان مسیحیان معتبر است که عبارتند از: انجیل متی، مرقس، لوقا و یوحنا. زمان تألیف اناجیل اربعه را از سال ۳۷ تا ۹۹ میلادی ذکر کرده اند.

از مناسبات اقتصادی و روابط بین فتودال و کشاورز و سرمایه دار و کارگر در دو دوره زمین داری و سرمایه داری (۵) است. به خاطر اینکه کشاورزان و کارگران نتوانستند راه حلی برای مشکلات اقتصادی و اجتماعی جامعه شان پیدا کنند، دنیایی را در ذهنشان ساختند که در آنجا مشکلاتی نباشد و کسی به دیگری ظلم نکند. از این رو، مشکلات و محرومیت و شکست را تحمل می کردند، به امید آنکه در دنیای دیگر جبران خواهد شد.

بعد از این «آرزو اندیشی» (۶) وقتی به انسانها گفته شود که این اعتقادات، دروغین و ساخته ذهن شماست، باور نمی کنند و آن را يك امر واقعی می شمزند.

فروید هم يك تحلیل روانشناختی بر طبق مکتب خود دارد، وی می گوید: انسان در حیطه خانواده اش نمی تواند طبق میل و اراده مارکس می گوید: اعتقادات دینی ناشی

اسلامی) بسیار انجام شده، اصالت متون مسیحیت و یهودیت را به شدت مورد اشکال قرار داده است. (۱)

## ۵- نظریه فرافکنی (۲)

عامل فرافکنی مرتبط با تحقیقات روانشناختی و جامعه شناختی و فلسفی است. از قرن نوزدهم، متفکران مهمی در علوم مختلف، عقیده مشترکی را ابراز کرده اند مبتنی بر اینکه عقیده خدا و دین فرافکنی شده است.

مقصود از فرافکنی در این بخش، این است که انسان به تدریج پدیده ساخته ذهنش را امر واقعی پندارد.

«مارکس» (۳) و «فروید» (۴) از جمله کسانی هستند که با دو بیان مختلف، دو عقیده دین و خدا را فرافکنی می دانند. پروفسور گاه علوم انسانی و روانشناسی در ایران

۱- رجوع کنید به کتاب: «مفهوم انجلیها» نوشته «کری ولف» ترجمه محمد قاضی. و نیز کتاب: «بنیادهای مسیحیت»، نوشته «کارل کائوتسکی» که جلد اول آن توسط «عباس میلانیان» ترجمه شده است.

۲- فرافکنی (Projection) یکی از مکانیزمهای دفاعی است که طی آن شخص انگیزه ها یا افکار خود را به دیگران نسبت می دهد، مثلاً، شخصی کلاهبردار فکر می کند دیگران نیز مثل او کلاهبردار هستند. در سیستمهای مختلف منظور از فرافکنی، عمل عینی نشان دادن چیزهایی است که عملاً تجربه های ذهنی یا داخلی هستند. رگ: «اصول روانشناسی» ج ۱، ص ۴۹۶-۴۹۴ و ۶۳۳. نوشته: نورمان ل. مان، ترجمه دکتر محمود ساعتچی.

۳- Karl Marx، اقتصاد دان و جامعه شناس آلمانی (۱۸۱۸-۱۸۸۳ م).

۴- Freud Sigmunk، روانشناس و روانکاو اتریشی (۱۸۵۵-۱۹۳۹ م).

۵- مارکس می گفت: جوامع در طول تاریخ، دارای پنج دوره بود: ۱- کون اولیه ۲- برده داری ۳- فتودالیت ۴- سرمایه داری ۵- سوسیالیسم.

خویش عمل کند و دارای روابط آزاد با جنس مخالف باشد. لذا برای تسکین این محرومیت، آرزوی دنیایی را می کند که در آنجا کسی مزاحم وی نباشد.

از طرف دیگر، انسان در دوران صباوت و کودکی، پدر خویش را به عنوان يك ابر قدرت می داند. ولی وقتی که بزرگتر شد، می بیند که پدر هم مثل او عاجز و گسرتار يك سری محدودیتها و مقررات است.

از این طریق پدر آسمانی در اذهان شکل می گیرد که این پدر اولاً مزاحم روابط آزاد نیست، ثانیاً مثل پدران ما عاجز و ناتوان نیست.<sup>(۱)</sup> حال اگر به چنین فردی بگویید: پدر آسمانی ساخته ذهن توست و دارای واقعیت نیست، قبول نمی کند.

کوتاه سخن آنکه، بر طبق این نظریه وقتی چنین مواردی اثبات شد، بعضی ها گفتند عقیده دین و خدا و قیامت هم شاید فرافکنی شده، هیچ و پوچ باشد.

این عوامل از جمله عواملی بود که در اروپای قرن نوزدهم سبب گردید که انظار متفکران و دانش پژوهان نسبت به ادیان، متحول شود و نقادانه به تجزیه و تحلیل پدیده دین پردازند.<sup>(۲)</sup>

۱- لذا، تعبیر پدر آسمانی در مسیحیت، به گزاف به وجود نیامده است.

۲- البته نقادی لزوماً به معنای مخالفت کلی با دین نیست.



شخصی از امام باقر - علیه السلام - پرسید: آیا جواز آن یقال: إن الله شيء؟ قال: نعم، یخرجه من الحدّین. حدّ التعطیل و حدّ التشبیه.

معانی الأخبار: ص ۸، ج ۲، ط دار المعرفه بیروت.

توضیح:

آیا می توان خدا را شیء نامید؟ فرمود: بله و باید او را در مقام توصیف، از دو مرز بیرون برد. شناخت خود را نسبت به خدا تعطیل نکرد و او را ما فوق شناخت انگاشت و در عین حال نباید او را به موجودات امکانی تشبیه کرد.